

The religious motivation Muslim conquest of the Sassanid era

Ali Chegani¹

Shokuh Al-Sadat Arabi Hashemi (Corresponding Author)²

Faizullah Boushasb Gousheh³

Received Date: 4 Apr 2021

Reception Date: 9 Jun 2021

Abstract

Different theories have been investigated about how Iran was conquered by the Muslim Arabs and the Sassanid Empire collapsed. Among all the factors that have shaken the Iranian people throughout history, the invasion and entry of Arab Muslims into this land (the first half of the seventh century AD), has brought with it the greatest change. Why and how the Muslims were able to overthrow the great Sassanid empire and dominate all of Iran at that time for almost a century is a fundamental issue, and different views have been offered on the motives for this invasion. A group of extremist and anti-Islamic writers believe that the Arabs' goal in invading Iran was nothing more than the acquisition of booty, slaves and maids. Another group says that undoubtedly spiritual motives also played a very important role in this regard, and the main motivator of the Arabs in these attacks was the same spiritual and religious motive. This article tries to examine the religious and cultural motives of Muslims in attacking the territory of the great Sassanid Empire by using historical sources and knowledge as much as possible. According to the results, Muslims at the beginning of the conquest and invasion of Iran, in addition to economic and political motives, also had cultural and religious motives.

Keywords: Muslim Arabs, Fatuh, Sassanids, Jihad

¹ Ali Chegani is a Ph.D student in Islamic History, Islamic Azad University, Najaf Abad branch, Iran.

Email: ali.ch.historian@gmail.com

² Shokouhossadat Arabi Hashemi, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author)

³ Feizollah Boushasb Gousheh, Associate professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

انگیزه ی دینی فتوحات مسلمانان در دوره ساسانی

علی چگنی^۱شکوه السادات اعرابی هاشمی (نویسنده مسئول)^۲ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵فیض الله بوشاسب گوشه^۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر چستی انگیزه ی دینی فتوحات مسلمانان در دوره ساسانی را مورد بررسی قرار داده است. برای جهاد دو معنا ارائه شده است، جهاد به معنای عام و جهاد به معنای خاص. جهاد در معنای عام خود عبارت است از یعنی تقدیم کردن جان و مال در راه سرافرازی اسلام و برپایی شعائر دینی. اما جهاد به معنای خاص عبارت است از اینکه انسان در جنگ با مشرکین و اهل بغی، جان و مال خود را به گونه ای مخصوص تقدیم کند. فرضیه موضوع بحث در این مقاله از همین نوع است، یعنی مبارزه مسلحانه با کفار و مشرکین و اهل بغی. درباره چگونگی فتح ایران به دست اعراب مسلمان و اضمحلال امپراطوری ساسانی، نظریات متفاوتی مطرح شده است. از بین همه ی عواملی که در طی تاریخ، باعث تزلزل بنای قوم ایرانی شده است، هجوم و ورود مسلمانان عرب به این سرزمین (نیمه اول قرن هفتم میلادی)، بوده است که بزرگترین دگرگونی را با خود به همراه آورد. گروهی از نویسندگان باستان گرای افراطی و اسلام ستیز معتقدند هدف اعراب از حمله به ایران، چیزی جز کسب غنائم، برده و کنیز نبوده است. گروهی دیگر می گویند: بدون شک انگیزه های معنوی نیز سهم بسیار عمده ای در این رابطه داشته است و محرک اصلی اعراب در این تهاجمات همین انگیزه معنوی و دینی بوده است. هدف از نگارش این مقاله، یافتن انگیزه های اقتصادی، سیاسی و دینی و فرهنگی مسلمانان، در حمله به قلمرو شاهنشاهی عظیم ساسانی بوده و روش این پژوهش تفسیری-کیفی با مطالعه کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: اعراب مسلمان، فتوح، ساسانیان، جهاد.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ایران Emil:ali.ch.historian@gmail.com^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران^۳ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، ایران

جامعه ی ایران عصر ساسانی در اواخر این دوره دچار التهاب و آشفتگی شد. بعد از کشته شدن خسرو پرویز (۶۲۸ م) اختلاف و کشمکش های داخلی در خانواده ی سلطنتی راه یافت. هرگاه یکی از شاهزادگان به حکومت می رسید، دیری نمی گذشت که دیگری جای او را می گرفت. در مدت پنج سال، یازده تن به حکومت رسیدند تا اینکه در سال ۶۳۲ م یزدگرد سوم حکومت را در دست گرفت. در این ایام، اوضاع ایران بسیار آشفته و پریشان بود. پایه های سلطنت دچار تزلزل شد. هرج و مرج و بی نظمی در همه ی امور بیداد می کرد. ضعف و فساد گسترده ای که در بین طبقه حاکم ایجاد شده بود، نتایج شومش دامان مردم عادی را نیز گرفته بود. نابرابریهای اجتماعی، سختگیری های بیش از حد موبدان نسبت به پیروان سایر ادیان و... سبب نارضایتی عمومی مردم از دستگاه حکومت می شد، به طوری که دولت ساسانی در برابر آشفتگی ها و مشکلات، از پشتوانه مردمی برخوردار نبود.

در همین زمان بر قدرت مسلمانان در عربستان افزوده می شد و اندیشه ی توحیدی اسلام و شعار برادری و عدالت آنها از مرزهای حجاز عبور می کرد و بر دلها می نشست و برای جامعه طبقاتی ساسانی نویدبخش امید بود.

بعد از رحلت پیامبر (ص)، در اواخر خلافت خلیفه اول، ابوبکر (۱۱-۱۳ هـ / ۶۳۲-۶۳۴ م) جنگ اعراب مسلمان با ساسانیان شروع شد و در تمام دوران خلافت خلیفه دوم عمر (۱۳-۲۳ هـ / ۶۳۴-۶۴۳ م) ادامه داشت. در این ایام بخش عمده ای از ایران به دست فاتحان مسلمان گشوده و سرانجام به حکومت ساسانیان پایان داده شد. از مهمترین عواملی که جدای از اسباب ضعف داخلی، موجب شد مردم ایران به اسلام روی آورند، ماهیت احکام و پیام های الهی، مسئله مساوات اجتماعی، ساده زیستی و بی آلابی مسلمانان بود. در واقع اوضاع سیاسی و مذهبی ایران، در آن روزگار به گونه ای بود که مردم برای یک تحول و دگرگونی عمیق آماده بودند. زمانی که اسلام تجلی برادری و برابری اقشار جامعه را به مردم معرفی کرد، این دین را برتر از آئین نیاکان خویش یافتند و با شور و گرمی به آئین تازه گرویدند.

بر خلاف ایرانیان که در اواخر دوره ساسانی کاملاً دچار اضمحلال شده بودند و کوچکترین ضربه ای آنان را از پای در می آورد، اعراب پس از ظهور اسلام بر اثر تعلیمات پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) همگی با هم متحد و یکدل و یک زبان شدند و با تمام وجود معتقد بودند که به فرمان خدای بزرگ برای گسترش دین مقدس اسلام به جنگ با کفار می روند.

رویارویی اعراب مسلمان و سپاه ساسانی در واقعه ذی قار بود که به شکست ایرانیان انجامید. این حادثه مقدمه ای برای جنگ های قادسیه، جلولاء نهاوند و شکست نهائی امپراطوری ساسانی از مسلمانان و ورود اسلام به نقاط مختلف ایران شد که در این مقاله به بررسی مهمترین انگیزه های فتوح و تهاجم به ایران با تکیه بر انگیزه فرهنگی و دینی پرداخته می شود.

جهاد: جهاد از ریشه جهد به معنای پایمردی و جدیت در کار، طاقت و توان، کوشیدن، زحمت طاقت فرسا کشیدن، زحمت فراوان تحمل کردن و ... آمده است و کلمه ای همانند مجاهد هم یعنی رزمجو و مبارزی که خود را به سختی می افکند و به تبع آن کلمه جهاد هم به معنی مبارزه همراه با سختی، پایمردی و کوشیدن طاقت فرسا است. (ابن منظور، ۱۴۰۸)

«جهاد» بر وزن فعال و کتاب، مصدر باب مفاعله است که گفته می شود: «جَاهِدُوا يَجَاهِدُوا مُجَاهِدَةً وَ جِهَادًا» به معنی کوشش کردن و تمام توان خود را به کار گرفتن است. در شرع اسلام، جهاد عبارت است از: به کار گرفتن تمام توان و بذل مال و جان برای اعتلای کلمه اسلام و دفع دشمنان از تعرض به اسلام و مسلمین. (مشکینی، ۱۳۷۷: ۱۹۱)

راغب اصفهانی، پس از اشاره به معنی فوق می گوید: جهاد، بر سه قسم است: جهاد با دشمن ظاهر، جهاد با شیطان و جهاد با نفس. این سه در مفهوم آیه: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج / ۷۸) داخل است.

جهاد به وسیله دست و زبان انجام داده می شود. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «جَاهِدُوا الْكُفَّارَ بِأَيْدِيكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ» (راغب، ۱۴۱۲: ۲۰۸) به وسیله دست و زبانتان با کفار بجنگید.

جهاد یکی از مفاهیم دین اسلام است. واژه «جهاد» از ریشه «ج-ه-د» به معنی کوشش و مبارزه و فعالیت است. جهاد برعکس آنچه که امروزه توسط سیاستمداران مطرح می شود تنها به معنی جنگ و خونریزی نیست. بلکه در اصل به معنی کوشش و مبارزه می تواند در عرصه های گوناگون باشد. جهاد، مصادیق دیگری چون جهاد اصغر، جهاد مالی و جهاد زبانی دارد. برخی از عبادات نیز هم سنگ جهاد دانسته شده اند. متصدی امر جهاد، حکومت دینی است. بزرگترین جهاد «جهاد با نفس» است که با نام (جهاد اکبر) شناخته می شود و تلاش در راه دفاع از دین اسلام یا گسترش قلمرو اسلام، جهاد کوچک (جهاد اصغر) نام دارد. جهاد یکی از فروع دین و از واجبات اسلامی است. کلمه ی جهاد حدود ۱۰۸ بار در قرآن آمده است.

اقتصاد: این کلمه از ریشه قصد و به معنی چیزی ضد افراط و تفریط در واقع به معنی میانه روی است. همچنین به معنی پس انداز، تعادل و صرفه جویی نیز می باشد. (لویس، ۱۳۶۵ و قریشی، ۱۳۶۷)

اهداف جهاد

به دیدگاه مسلمانان جهاد اسلامی دارای اهدافی مانند براندازی عقاید کفر، مبارزه با دشمنان دین و دین گریز، پاسداری از نظام اسلامی و دفاع از مرزها است و از نگر ایشان این اهداف موجب برتری این نوع جنگ نسبت به دیگر جنگها می شود.

اهمیت جهاد

جهاد امر مقدسی است که در دین اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. اگر جهاد و حکم الهی درباره ی آن نبود، کیان اسلام در معرض خطر قرار می‌گرفت. قرآن شریف پس از هر چند آیه‌ای دستور جهاد می‌دهد یا از فضیلت آن سخن می‌گوید و بیشترین آیات آن، بعد از معاد، درباره ی جهاد و فضیلت‌های آن است.

قرآن کریم مؤمنان را به پیکار و جهاد در راه خداوند تشویق و فضیلت و پاداش بزرگی را برای آنان ذکر کرده است و مجاهدان در راه خداوند را بر نشستگان برتری داده است. آنجا که می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ، فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بَأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۹۵) مؤمنانی که بی‌هیچ رنج و آسیبی از جنگ سربر می‌تابند، با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند. خداوند کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می‌کنند، بر آنان که از جنگ سرمی‌پیچند برتری داده است و خدا همه را وعده‌های نیکو داده است و جهادکنندگان را بر آنها که از جهاد سرمی‌تابند، به مزدی بزرگ برتری داده است.

روایاتی بسیار در عظمت و اهمیت جهاد در راه خدا نقل شده است که به عنوان نمونه به چند روایت بسنده می‌کنیم: ابوذر غفاری از حضرت محمد(ص) پرسیده است: کدام یک از اعمال نزد خداوند دوست داشتنی تر است؟ محمد(ص) پاسخ داده است: ایمان به خدا و جهاد در راه او. ابوذر غفاری دوباره سؤال نموده است که کدامین جهاد از همه جهادها برتر است؟ محمد(ص) پاسخ داده است: جهاد کسی که اسبش پی شود و خونس در راه خدا بر زمین ریزد.

علی ابن ابیطالب درباره ی جهاد این چنین فرموده است: جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذ ناپذیر و سپر اطمینان بخش الهی بر پیکر مجاهدان است. (نهج البلاغه، خطبه ۳۷)

در روایت دیگری علی بن ابیطالب در رابطه با اهمیت جهاد می‌فرماید: خداوند عزوجل جهاد را واجب کرده، و آن را بزرگ شمرده و یاری و یاورش قرار داده است. به خدا سوگند که دنیا و دین جز با جهاد اصلاح نمی‌شود. (کلینی، بی تا، ج ۵: ۸)

امام محمد باقر(ع) در حدیثی خطاب به سلیمان بن خالد می‌گوید: «آیا می‌خواهی از اصل، فرع و قله ی اسلام برایت بگویم؟» سلیمان بن خالد می‌گوید: «آری، ای فرزند رسول خدا.» امام می‌گوید: اصل و عمود «خیمه ی» اسلام، نماز و فرع آن زکات و قله و اوج عظمتش جهاد است. (مجلسی، بی تا، ج ۶۹: ۳۹۲)

آغاز فتوح اعراب مسلمان در ایران

در اوائل قرن هفتم میلادی، هنگامی که امپراطورهای ایران و روم، بر سرسیادت و نفوذ جهانی، پیکار می کردند در صحرای سوزان عربستان حادثه ای رخ داد که مسیر تاریخ بشری را متحول نمود. شبه جزیره عربستان، تا آن هنگام، در جهان، اهمیت و مقام معتبری نداشت و دو امپراطوری ایران و روم که بر قسمت اعظم جهان آن روز تسلط و نفوذ داشتند، بدین شبه جزیره خشک و بی حاصل، که بیشتر نواحی آن مانند دریائی بزرگ، پر از ریگهای سوزان و موج بود، چندان توجهی نداشتند، چرا، که برای آنان اهمیت سیاسی و منافع تجاری نداشت.

دو امپراطوری ایران و روم، از لحاظ اعتقادات نیز با هم اختلاف داشتند. ایرانیان زردشتی و رومیان مسیحی بودند. عربستان نیز که میان این دو امپراطوری محصور بود، خدایان بسیار داشت و در شهر مکه که مرکز دینی و روحانی و بازرگانی اعراب به شمار می رفت، در اطراف کعبه، خانه ابراهیم، سیصد و شصت بت به پا بود که هر یک متعلق به یکی از قبایل عرب بود و اما ... حادثه ای که مسیر تاریخ بشری را متحول نمود از شهر مکه آغاز گردید.

مردی که بسان پیامبران پیشین، کودکی را به شبانی و جوانی را بخشی به تجارت و بخشی را به عبادت گذرانیده بود پس از یک دوره تفکر متمادی به تلقین ندای غیبی، در کانون بت پرستی، بر ضد خدایان متعدد پرچم توحید برافراشت و بت پرستی را مایه پستی معرفی کرد و اعتقاد به توحید را مایه فلاح و رستگاری دانست. این حادثه به ظاهر چندان مهم نبود و جهان آشفته آن زمان که مانند همیشه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی دست به گریبان بود به این نهضت معنوی که بی سر و صدا در قلب عربستان، مکه، آغاز می شد توجهی نکرد.

اسلام که اعراب در سرزمین حجاز، آن را به عنوان وحی الهی از پیغامبر عربی خویش محمد بن عبدالله (ص) (۶۳۲-۵۷۰م) تلقی کرده بودند با قرآن و شریعت الهی خود چنان شور و شوقی در آنها به وجود آورده بود که مسلمین در راه نشر و تبلیغ آن، از این که جان خود را به سخت ترین ورطه های خطر بیندازند ابائی نداشتند. بیست و پنج سال گذشت، ناگهان دسته های جنگجوی عرب که در زیر پرچم توحید، متحد و به نیروی ایمان مسلح شده بودند به قلمرو ایران و روم حمله بردند که در نظر مردم آن عصر، این حادثه، خوابی نا صواب و خیالی محال بود.

عربها غالباً مردمی خانه به دوش و مردمی صحرا نشین بودند. چون وسیله زندگانی نداشتند، دائماً برای ربودن هستی یکدیگر ستیزه می کردند و بیشتر روزگارشان به شتر چرانی و کینه جوئی و یغما گری سپری می شد. عجیب بود که چنین مردمی بدبخت و بینوا و مفلوک درصدد حمله به دولتهای بزرگ و نیرومند آن عصر برآیند، عجیب اما محقق بود.

نهضت اسلامی در مدتی کمتر از یک ربع قرن با وضعی معجزه آسا، این طوایف خانه به دوش را که پیش از آن تیره روز ترین مردم دنیا بودند، در زیر لوای توحید گرد آورد، نفوذ خدایان و ادیان مختلف از عربستان برافتاده بود و طوایف مختلف زیر لوای دین جدید (اسلام) متحد شده بودند.

نیروی ایمان این مردم خود سر و ماجراجو و پراکنده را به هم پیوسته برد و از آنها نیروئی بزرگ و جوشان و شکست ناپذیر پدید آورده بود، که در مدتی کوتاه، ارتشهای منظم را مغلوب کرد، کشورهای بزرگ را در نوردید و یک قرن نگذشت که این نهضت نوپا قسمت اعظم جهان آن روزگار را فرا گرفت. امپراطوری وسیع ایران پیرو نفوذ اسلام شد و امپراطوری روم در چهار دیوار قسطنطنیه محصور ماند و پرچم اسلام از اسپانیا تا دیوار چین به اهتزاز در آمد. این نهضت عجیب با این پیشرفت سریع، فاصله ای در تاریخ جهان به وجود آورد. دنیای کهن را زیر و زبر کرد و بر ویرانه آن، جهانی نوین ساخت که نظامات سیاسی و اجتماعی و اخلاقی آن با جهان پیش متفاوت بود. تمدنی که در نتیجه چندین قرن کوشش و فعالیت پیروان اسلام پدید آمد به عظمت و ابهت و ظرافت از مهمترین تمدنهای انسانی چیزی کم نداشت بلکه غنی تر و پر بار تر، ره جویان معرفت را به سوی فلاح و رستگاری هدایت می نمود. آئین اسلام که پیام دعوتش را فاتحان با خود می آوردند به امتیازات دیرینه نجبا و موبدان که طی قرنهای بیشتر مردم ایران را در نوعی بندگی محنت بار نگهداشته بودند خاتمه می داد و دیوارهای عظیم طبقاتی را که بین واستریوشان محروم با واسپوهران و موبدان و آزادان فاصله ای عبور ناپذیر بوجود آورده بود فرو می ریخت. افق تازه، طلوع دنیائی را اعلام میکرد که به حکم قرآن کریم می بایست در آن، دیگر هرگز بعضی مردم، بعضی دیگر را به بندگی نگیرند و این امر نشانه طلوع دنیائی بود که دیگر به نوبت ظالمان در پنج روزه زندگی پر تجمل و اشرافی اشان خاتمه می داد.

برخورد مغرورانه خسرو پرویز با فرستاده ی پیامبر(ص) مانع آشنایی ایرانیان با اسلام نگردید، بلکه قبل از رویارویی اعراب مسلمان با سپاه ساسانی، گروههایی از مردم ایران با اسلام آشنایی داشتند. به غیر از سلمان فارسی، ایرانیان دیگری بودند که در غزوات مسلمانان شرکت می کردند. ایمان آوردن ایرانیان مقیم یمن، عمان و بحرین سبب آشنایی بیشتر مردم ایران با اسلام گردید (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۰۱-۱۲۶).

مهمترین رویارویی اعراب مسلمان و ایرانیان در واقعه ذی قار بود. در این واقعه اعرابی که مشغول تاخت و تاز و غارت مرزهای ایران بودند، به یک دسته ی هزار نفری از سواران ایرانی برخوردند و جنگی بین دو طرف در گرفت که دو سردار ایرانی به قتل رسیدند و ایرانیان شکست خوردند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۴۹۱). اگر چه این درگیری، کوچک و اهمیت چندانی برای سپاه ساسانی نداشت، اما برای اعرابی که امپراطوری ساسانی را تسخر ناپذیر و

برتر از روم شرقی می دانستند و از عظمت پادشاهان ایران و شهرتی که در سرکوبی مردم جهان داشتند، بیمناک بودند، بسیار مهم بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۱۰۵). اعراب پس از این پیروزی دریافتند که ایران این زمان، دچار آشفتگی های خاص سیاسی و اجتماعی است و غلبه یافتن بر آنها، برای اعراب امری ممکن است. این واقعه و اوضاع آشفته ایران و انگیزه های دینی، سیاسی و اقتصادی اعراب سبب حمله آنان به ایران شد.

در زمان خلافت ابوبکر حملات پراکنده ای به نواحی مرزی ایران صورت گرفت. جنگ قادسیه که در سال ۱۴ هـ / ۶۳۵ م روی داد، از مهمترین جنگ های مسلمانان با سپاه ساسانی به شمار می رفت. مورخان تعداد سپاهیان ایران را صد و بیست هزار سوار و سی هزار پیاده با عدت، آلات، سلاح، شوکت بی نهایت و تعداد لشکریان مسلمان را بین نه تا ده هزار و برخی تا چهل هزار مرد جنگی نوشته اند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۷۳۵-۱۷۵۶ و ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۴: ۱۱۵-۹۲ و ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۰۵-۱۰۶ و بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۶۳-۳۷۴). در این جنگ به رغم برتری تعداد و تجهیزات سپاه ساسانی، مسلمانان به پیروزی دست یافتند. این شکست که زمینه ی آن از سالها پیش فراهم آمده بود، سقوط حکومت ساسانی و پیروزی مسلمانان را به ارمغان آورد.

مقاومت های سرداران ساسانی هم نتوانست مانع حملات نیروهایی شود که پیروزی یا مرگ را فلاح و رستگاری می دانستند و از کشته شدن نمی هراسیدند بلکه به استقبال آن می رفتند. پیروزی در قادسیه روحیه ی مسلمانان را دو چندان کرد و سپاهیان و یزدگرد را آن چنان نا امید ساخت که شاه ساسانی آهنگ گریز کرد.

بعد از نبرد قادسیه چهار هزار سرباز دیلمی در قادسیه خود را تسلیم مسلمانان کردند و ایمان آوردند و در مدائن، جلولاء و موصل، سعد بن ابی وقاص را یاری کردند. حتی با مسلمانان در کوفه سکنی گزیدند. در سال ۱۶ هـ / ۶۳۷ م در ناحیه جلولاء جنگ سختی بین مسلمانان و سپاهیان ساسانی در گرفت که نتیجه ی آن پیروزی دیگری برای سپاهیان اسلام بود (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۷۷-۳۹۱). جنگ سرنوشت ساز نهاوند که در سال ۲۱ هـ / ۶۴۲ م روی داد، پیروزی قطعی را نصیب مسلمانان کرد که از آن به عنوان فتح الفتح نام برده اند (طبری، ۱۳۶۲: ۱۹۶۰-۱۹۳۰ و ابن اثیر، (بی تا)، ج ۴: ۱۵۰۵-۱۵۱۸). در واقع پیروزی در نهاوند، نه تنها موجب سقوط نهایی قدرت ساسانی گردید، بلکه این پیروزی اعراب، دوران ایران باستان را نیز به پایان برد و سبب متواری شدن پادشاه ایران به نقاط مختلف کشور گردید (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹۰).

نقش حضرت علی(ع) در فتح ایران

درباره نقش و نظر حضرت علی(ع) در فتح ایران و جنگ با ایران آورده اند که وقتی عمر بن خطاب فهمید که نیروهای ایرانی آماده حمله بزرگی می شوند به مسجد آمد و همه را دعوت کرد و از آنان نظر خواست. طلحه گفت: تو خودت به جبهه جنگ برو تا مسلمانان با دیدن تو قوی تر شوند و خوب بجنگند. عثمان گفت: همه مردم شام، همه مردم یمن، مردم مدینه و مردم مکه را حرکت بده و به جبهه جنگ برو تا مسلمانان با دیدن تو و اینهمه نیرو خوب بجنگند، عثمان نشست و دیگر کسی بلند نشد. عمر بن خطاب دوباره گفت: ای مسلمانان نظر بدهید. حضرت علی(ع) فرمود: این درست نیست که مردم شام را روانه جبهه جنگ بکنی چون در این صورت رومیان حمله می کنند و زن و بچه آنان را می کشند. مردم یمن را هم حرکت نده چون حبشه حمله می کند و یمن را قتل و غارت می کند. اگر مردم مدینه و مکه را بیرون ببری اعراب اطراف حمله می کنند و این دو شهر را غارت می کنند. تو خودت هم نرو بلکه به بصره نامه بنویس و تعدادی از آنان را به کمک مسلمانان بفرست. این نظر را عمر بن خطاب پسندید و گفت: نظر درست همین است و باید مطابق آن عمل کنم. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۷)

حضرت علی(ع) در همین سخنان خود به این نکته هم اشاره کردند که ما در زمان پیامبر(ص)، با عدد و کثرت نیرو نمی جنگیدیم بلکه به یاری خدا می جنگیدیم و تو از کمی نیروهای مسلمان هراس نداشته باش.

آن حضرت با این تدبیر، هم مسلمانان شام، یمن، مکه و مدینه را از خطر، و هم مردم ایران را از کشته شدن نجات دادند. زیرا اگر روم حمله می کرد، زن و بچه مسلمانان کشته می شدند. اگر حبشه حمله می کرد زن و بچه یمنی ها کشته می شدند و اگر اعراب اطراف مدینه و مکه به این دو شهر حمله می کردند باقیمانده مردم آنجا هم کشته می شدند. از سوی دیگر اگر این همه نیروی جنگی به طرف ایران حمله ور می شدند خدا می داند چه بلایی بر سر مردم ایران می آمد به جهت اینکه در آن زمان (زمان یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی) حکومت ایران بسیار ضعیف و در حال فروپاشی بود (نولدکه، ۱۳۵۸: ۴۱۸) و تعداد کمی از نیروهای مسلمان می توانستند آن را از بین ببرند و اگر به جای نیروهای مستقر در جبهه ایران، ده برابر آن نیرو می آمد، تلفات ایرانیان چند برابر می شد.

بنابراین حضرت علی(ع) به عنوان امام معصوم که ولی، دلسوز و خیرخواه همه مردم جهان (حتی غیرمسلمانان و کافران) است، کاری کرد که این جنگ با کمترین خطر و کمترین تلفات به پایتخت ایران برسد و چنانچه بین همه شمس شد. از آنچه گذشت معلوم شد که در زمان حمله مسلمانان به ایران، تمدن ایران به حقیقت در حال ویرانی و نابودی بود و با آمدن اسلام، این تمدن جان تازه گرفت و به حیات خود ادامه داد. و این امر امکان پذیر نبود مگر با حسن تدبیر و مشورتهای مشفقانه امام علی(ع).

دکتر عبدالحسین زرین کوب در این باره می‌گوید: سقوط دولت ساسانی به دست عرب انجام شد ولی نه به خاطر قدرت عرب بلکه ضعف و فساد بر دولت ساسانی غلبه کرده بود. اصلاً مقارن هجوم عرب، ایران از پای درآمده بود. دولت ساسانی در آن روزگار مانند مرده حضرت سلیمان علیه السلام بود که بر عصایی تکیه داشت و موریانه عصا را خورد و آن پیامبر به زمین افتاد. ضعف و فساد در همه ارکان کشور راه یافته و دولت ساسانی روی به نکبت و ذلت نهاده بود. (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۵۷)

متفکر و فیلسوف بزرگ مرحوم مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به تحلیل موشکافانه‌ای از شکست و هزیمت ایرانیان می‌پردازد. وی می‌نویسد: «ایران آن روز با همه اختشاشات و از هم پاشیدگیهایی که داشت از نظر نظامی، بسیار نیرومند بود. در آن روز دو قدرت درجه اول بر جهان حکومت می‌کرد، ایران و روم. جمعیت آن روز ایران در حدود یکصد و چهل میلیون نفر تخمین زده شده که گروه بی شماری از آنان سرباز بودند و سربازان مسلمان در جنگ با ایرانیان به شصت هزار نفر نمی‌رسیدند و اگر ایرانیان عقب نشینی می‌کردند، این جمعیت در میان مردم ایران گم می‌شدند. ولی با این همه، حکومت ساسانی به دست همین عده برای همیشه محو و نابود شد».

شهید مطهری در ادامه می‌افزاید: «حقیقت این است که مهم‌ترین عامل شکست حکومت ساسانی را باید ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آیین و رسوم اجحاف آمیز آن زمان دانست. این نکته از نظر مورخین شرقی و غربی مسلم است که رژیم و اوضاع اجتماعی و دینی آن روز به قدری فاسد بود که تقریباً همه مردم از آن ناراضی بودند. دین زردتشت در ایران به قدری در دست موبدها فاسد شده بود که ملت باهوش ایران هیچ‌گاه نمی‌توانست از روی صمیم قلب به آن عقیده داشته باشد و اگر اسلام هم در آن روز به ایران نیامده بود، مسیحیت تدریجاً ایران را مسخر می‌کرد و زرتشتی‌گری را از میان می‌برد».

بنابراین اوضاع نابهنجار اجتماعی و دینی در ایران باعث نارضایتی مردم شده و ایرانیان را به سمتی که باعث نجات ایشان شود سوق می‌داد. (مطهری، ۱۳۵۹: ۷۷)

انگیزه‌های فتوح مسلمانان

بررسی سیر تاریخ اسلام و بویژه مسئله فتوح و پیامدهای آن، نکات روشنی پیرامون اصلی‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری مسئله فتوح، پیش‌رو می‌گذارد که از چهار جنبه مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قابل بررسی است:

۱- انگیزه‌های دینی

برخلاف نظر برخی از پژوهشگران معاصر، فتوح مسلمین، نه تنها فاقد انگیزه‌های دینی نبود (ن. فرای، ۱۳۶۹: ۷۴) بلکه این عامل، اولین محرک آنان به شمار می‌آمد. به لحاظ مذهبی،

نخستین ریشه‌های مسئله فتوح در دوران رسول خدا (ص) و بشارت آن حضرت به تسلط مسلمانان بر خزاین کسری و قیصر و نیز فتح شام و یمن و دیگر نواحی، نضج گرفت (المغازی، ۱۴۰۹هـ.ق / ۱۹۸۹ م: ۴۵۹-۴۶۰). و بعدها سرکوب اهل رده و پیامبران دروغین، آغاز گر روندی جدید در تحقق امر فتوح، بدین لحاظ گردید و بطور کلی وجود انگیزه‌های دینی در فتوح، به دلایل زیر قابل اثبات است:

۱) ورود سپاهان مسلمان به سرداری خالد بن ولید، به منطقه سواد، به منظور سرکوب همه جانبۀ پیامبران دروغین.

۲) نحوه ی برخورد خالد بن ولید با ایرانیان ساکن حیره و درخواست وی از مردم مدائن (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۲۱ و عقد الفرید، ابن عبد ربه، بی تا، ج ۱۱۸) و مرزبانان ساسانی مبنی بر پذیرش یکی از سه شرط: الف) پذیرش اسلام ب) پرداخت جزیه ج) جنگ (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۲۱-۳۰۸ و ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ۵۱-۵۲) و دعوت مثنی بن حارثه از مردم سواد جهت پذیرش اسلام (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۰۸ به بعد).

۳) حضور تعداد کثیری از صحابۀ رسول خدا (ص) در فتوح (بلاذری، ۱۳۲۵، ج ۲: ۲۶۰ و ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۵۳).

۴) سخنان عمر بن خطاب به مردم پس از بیعت مسلمانان با وی، مبنی بر: بروید و سرزمین‌هایی را که خدا در کتاب خود وعده فرمود شما را وارث آن کند به چنگ آورید. خداوند وعده غالب شدن اسلام بر همه ادیان را داده است اگر چه مشرکان کراهت دارند (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۰۸ و ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۷). «و هو الذی ارسل رسول فی الهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون» (قرآن کریم، ۱۳۷۲، سوره توبه، آیه ۳۳).

۵) وعده وصول به بهشت و پاداش خداوند در قبال جهاد در راه خدا، که تأثیر روانی شگرفی بر مسلمانان داشته و اندیشه شکست را از ذهنشان می زدود. وقتی مسلمانان از خزران شکست خوردند و فرار کردند، یکی از مسلمانان خطاب به فراریان گفت: «ای مسلمانان به بهشت رو آورید نه به جهنم» (بلعمی، ۱۳۵۳: ۹۳۲-۹۳۳) این نکوهش در عین حال گهگاه بر طرف مقابل (ایرانیان) نیز مؤثر واقع می شد. آورده اند که فردی به نام مردانشاه تحت تأثیر سخنان مسلمانان مبنی بر امتیازات دین اسلام و مقام و مرتبت مسلمانان نزد خداوند و وصول به بهشت جاودان، مسلمان شده و آنقدر جنگید تا کشته شد (عوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۸-۲۰۷).

۶) وجود نگرشهای عدالت طلبانه و انسانی در تعالیم مسلمانان که بویژه هنگام مذاکرات آنان با دشمنان، نمایان می شد. «اگر مسلمان شوید، با ما حقوق مساوی دارید و اگر جزیه قبول کنید ما از شما حمایت می کنیم و از همین جا بر می گردیم» (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۰۲).

حرکت رسول خدا (ص) از همان ابتدای بعثت بر پایه فعالیتهای فرهنگی استوار بود و شهر مدینه اولین پایگاه و مرکز حکومت اسلامی نیز با فعالیت مبلغانی چون مصعب بن عمیر (پیامبر او را بعد از پیمان عقبه اول به مدینه اعزام کرد)، آماده پذیرش مسلمانان و حکومت اسلامی شد.

بررسی سیره رسول خدا (ص) بیانگر آن است که وی همواره استفاده از ابزارهای فرهنگی را بر شمشیر ترجیح داده و فقط زمانی دست به شمشیر می برد که راهها و ابزارهای فرهنگی، منتج به نتیجه نمی شد. به همین

سیاق، فعالیت های فرهنگی، نزد مسلمانان نیز از جایگاه خاصی برخوردار بود و به ویژه در امر فتوح از آن سود می جستند. از جمله مواردی که جنبه های فرهنگی فتوح را نمایان می سازد. نمونه های ذیل را می توان بیان نمود:

۱- بیان شرایط و ویژگی های آئین اسلام در مذاکره با دشمن و تشریح دیدگاه های عدالت طلبانه و انسانی آن (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۰۶).

۲- تبیین برتری دین اسلام و رسالت جهانی آن مبنی بر نجات بشر از گمراهی و تشریح تأثیر فراوان اسلام در تحول و دگرگونی در روش زندگی اعراب (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۹۱).

۳- تسامح و تساهل مسلمانان در مواجهه با آداب و رسوم، سنن و عقاید (غیر شرک آلود) سایر ملل (ناشناس، ۱۳۱۴: ۹۲ به بعد).

۴- اعزام مبلغان مذهبی به مناطق فتح شده (بلاذری، ۱۳۲۵، ج ۲: ۳۲۴).

۵- بهره گیری از نیروهای بومی جهت دعوت مردم نواحی مختلف به اسلام. در این خصوص می توان به حضور سلمان فارسی در میان مردم «بهر سیر» و سخنان وی با آنان به منظور دعوت به اسلام، اشاره کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲: ۱۵۶ و ابن اثیر، ۱۳۸۵ق یا ۱۹۶۵ م، ج ۲: ۲۱۸ و ۳۲۹).

۶- احداث مسجد و برگزاری آئین های اسلامی چون نماز جمعه در مناطق فتح شده و بهره گیری از شیوه های تشویقی جهت ترغیب مردم به شرکت در مراسم اسلامی.

۷- رفتار عدالت طلبانه، ایمان مذهبی و پرهیزگاری بسیاری از مسلمانان اعم از عامه مسلمانان یا امرا و فرماندهان در اوایل فتوح که تأثیری بسزا در ایجاد زمینه لازم جهت پذیرش و گسترش اسلام در مناطق فتح شده به جای می نهاد. به روایت عوفی: «عمر

یک تن از صحابه را به فرمانروایی شهری از شهرهای ایران فرستاد. زمانی که وی بدان شهر رسید مردم به شیوه ایرانیان برای امیر سجده کردند. صحابی مذکور وقتی چنین دید به مدینه باز گشت شرح حال را به عمر گزارش داد. عمر دو کس که یکی از آنان انصاری بود، بدان شهر فرستاد و به مردم نامه نوشت که رسوم گبران را کنار بگذارید، که سجده کردن جز خدای را روا نبود. مردم آن دو نفر را به خانه ای بردند و طعام آوردند و بعد از خوردن طعام، غذایی دیگر آوردند لذا آن دو کس نخوردند و باز گشتند. عمر فردی به نام « یسار » را فرستاد و زمانی که او به در شهر رسید، مردم استقبال کردند تا علف به شتر او بدهند وی قبول نکرد و هیچ از مردم نگرفت و مال جمع کرد و به مدینه برد). (عوفی، ۱۳۶۲: ۴۱۴)

۸- سیاست اسکان مسلمانان در نواحی مختلف فتح شده به منظور تغییر یافت جمعیتی به نفع مسلمانان و گسترش اسلام و تثبیت حاکمیت اسلام در مناطق مذکور.

۳- انگیزه اقتصادی

اسلام دینی است که به دنیا و آخرت، توجیهی توأم داشته و زهد و گوشه نشینی، در آن مذموم است. در اسلام، کار و تلاش برای تأمین معاش، عبادت محسوب شده و دنیا به منزله کشت گاهی است که برداشت محصول خوب در آخرت، فقط و فقط از طریق کشت مناسب در این کشتگاه میسر خواهد بود، چنین نگرشی به دنیا به نوبه خود در تمامی جنبه های زندگی مسلمانان، نمود یافته و آنان را به ساختن دنیایی بهتر و بهره وری از نعمات آن سوق می داد.

در خصوص فتوح، وجود انگیزه های اقتصادی امری است که نباید و نمیتوان آن را نادیده انگاشت. اما ذکر این نکته ضروری است که انگیزه های مذکور در ابتدای امر فتوح، نه انگیزه اصلی، بلکه تحت الشعاع انگیزه های مذهبی و فرهنگی، بخشی از دلایل روی آوردن به فتوح را شکل می داد، اگر چه بعد ها تبدیل به اصلی ترین عامل فتوح و کشور گشائی ها گردید. به عنوان نمونه هائی از وجود انگیزه های اقتصادی فتوح، می توان به موارد زیر استناد کرد:

۱) سخنان عمر بن خطاب، خطاب به مسلمانان مبنی بر تصرف عراق: « سرزمین حجاز نباید خانه و مسکن شما باشد، در اینجا شما تنها می توانید گیاه و خوراک شتران خود را بجوئید و فقط برای این منظور در این سرزمین تاب بیاورید. کجا هستند مهاجرانی که از میهن خویش کوچ کرده و از وعده گاه خدا (مکه) دوری

گزیده اند؟ بروید و سرزمینهای را که خدا در کتاب خود وعده فرمود تا شما را وارث آن کند به چنگ آورید و سپس آیه ۳۳، سوره توبه را خواند» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۷)

۲) سخنان خلیفه دوم خطاب به مسلمانان پس از مواجهه با تأثیر منفی شکست نبرد پل بر مسلمانان و عدم استقبال آنان از ادامه فتوح در سرزمینهای ایران: «اگر شما به جهاد نروید از گرسنگی هلاک می شوید زیرا معیشت شما بازرگانی است و امروز وسایل تجارت دنیا با شما در اختیار دشمن است و اسباب بازرگانی برایتان مهیا نمی شود و نیز برای نیاز زندگی شما ضروری است برای گرفتن غنائم به جهاد بروید (طبری، بی تا، ج ۲: ۳۶۸-۳۷۱)».

۳) شرایط طایفه بجیله برای رفتن به مرز (به سالاری جریربن عبدالله) مبنی بر گرفتن چهار یک از اموال غنائم جنگ (بلاذری، ۱۳۲۵، ج ۲: ۲۵۳).

۴) تشویق سپاهیان مسلمان جهت شرکت در جهاد و کسب غنیمت از سوی سرداران و فرماندهان نظامی (بلاذری، ۱۳۲۵، ج ۲: ۵۱).

۵) مفاد برخی از معاهدات صلح میان مسلمانان و ایرانیان (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۳۱۹-۳۲۰ / صلح سعد بن ابی وقاص با دهقان بابلی از جمله این معاهدات است که بر اساس آن دهقان یاد شده متهد شد یک جریب زمین را با پول مسکوک پوشانده و تقدیم دارد)».

بعدها بروز انحراف در حاکمیت جامعه اسلامی سبب ایجاد دگرگونی های تدریجی و تأسف باری شد که تبدیل انگیزه اقتصادی به اصلی ترین انگیزه فتوح از آن جمله به شمار می رود. همین دگرگونی به ارائه پاره ای قضاوت های متعصبانه و یکسویه انجامید. در یکی از قضاوتها می خوانیم: «جانفشانی مهاجمین در حمله به ایران، برای رسیدن به بهشت موعود پر از انواع میوه جات و گوشت ها و زر و سیم و مرجان و حور و غلمان بود (شهمردان، ۱۳۶۰: ۶۳)».

به احتمال زیاد مسلمانان تا دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ هـ ق) معتقد بودند که از طرف خدای بزرگ مأموریت دارند که در جهان، بت پرستی را نابود کنند و از دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز است که اهداف مسلمانان بویژه مسلمانان بربر مقیم شمال آفریقا بدست آوردن مال و منال بوده است.

۴- انگیزه سیاسی

نگرش مسلمانان در خصوص برتری دین اسلام و پیام آن برای نجات عموم بشر از کفر و شرک و عدم سلطه هیچ مشرکی بر مسلمانان: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون» (اوست خدایی که رسولش را به هدایت خلق و دین

فرستاد تا او را ، هرچند کافران خوش ندارند بر همه غالب گرداند. (قرآن کریم ، ۱۳۷۲ ،
سوره صف/ آیه ۹). و ضرورت توأم بودن ایمان و آگاهی (نه اجبار) :

«لا اکراه فی الدین» (قرآن کریم ، ۱۳۷۲ ، سوره بقره/ آیه ۲۵۶). در اسلام سبب شد که
مسلمانان درخصوص اقوام تحت سلطه بویژه اهل ذمه (صرف نظر از بعضی سیاستهای
غارثگرانه) روش تساهل و تسامح مذهبی را در پیش گیرند. در واقع یکی از مهمترین اهداف
پیروان محمد(ص) دستیابی به تسلط سیاسی بود، از اینرو با مردمی که به دلایل مختلف در
فرصتهای بدست آمده، نقض پیمان می کردند، تا زمانی که خطری متوجه حاکمیت اسلامی
نبود به تجدید پیمان مبادرت می ورزیدند. این شیوه مدارا و قاطعیت از همان ابتداء ، از
مهمترین ویژگیهای حکومت اسلامی به شمار می رفت. درباره شخص پیامبر (ص) می توان
از مواردی چون انعقاد پیمان با، بت پرستان و اهل کتاب مدینه در آغاز تشکیل حکومت
اسلامی، واکنش وی در مواجهه با پیمان شکنی یهودیان بویژه بنی قریظه و اخراج مشرکان از
شبه جزیره عربستان بر اساس آیات قرآن یاد کرد .

با عنایت به موارد مذکور ، می توان دلایل ذیل را به عنوان اهداف سیاسی فتوح ، برشمرد :

۱-۴- وجود برنامه ریزی (استراتژی) مشخص برای فتوح :

با استناد به مواردی چون احداث دو شهر نظامی کوفه و بصره ، عدم تقسیم سواد به سبب
ترس از بروز فتنه و فساد در میان مسلمانان و نیز به منظور ادامه فتوح(بلاذری ، ۱۳۲۵ ، ج ۲ :
۳۷۶ و طبری ، ۱۳۶۲ ، ج ۲ : ۱۳۰۷)، مشورت خلیفه با هرمرزان برای ادامه فتوح و تعقیب
یزدگرد(بلعمی ، ۱۳۵۳ ، ج ۱ : ۵۱۷)، عدم اخذ جزیه از شهر براز و کسانی که در ناحیه گرگان
از مرزها دفاع میکردند ، استفاده از چابکسواران پارسی در جنگها و لغو جزیه به دستور
عمر بن خطاب از کسانی که مسلمانان را در جنگها همراهی می کردند و حتی سهم ساختن
آنان در غنائم(طبری ، ۱۳۶۲ ، ج ۲ : ۵۴۰-۵۴۱)، سخنانی که مسلمانان در تشریح اهداف و
مقاصدشان در جریان مذاکرات انجام شده با دشمنان (طبری ، ۱۳۶۲ ، ج ۲ : ۳۹۱ و ابن اثیر،
۱۳۸۵ق یا ۱۹۶۵ م ، ج ۲ : ۳۳۹)، که همه و همه از وجود عملیاتی آگاهانه و برنامه ریزی شده
خبر می دهد .

۲-۴- گرفتن جزیه از اهل کتاب

از آنجا که موضوع اخذ جزیه در فتوح و روابط مسلمانان با زردشتیان دارای اهمیت زیادی
است، بنابراین لازم است نگاهی فشرده به معنا و مفهوم جزیه داشته باشیم . به اعتقاد یکی از
معتقدان معاصر: «جزیه مالیات سرانه ای است که پیش از اسلام در میان اقوام مختلفی (تحت
حاکمیت ایران و روم) رایج بود»(دانیل دنت، ۱۳۵۸: ۹۱ به بعد). در ایران ، توده مردم به

استثنای اهل بیوتات، دبیران، جنگاوران، اهل علم، زنان و فقیران ملزم به پرداخت مالیات سرانه بودند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹).

در باب معنای لغوی جزیه، برخی بر آنند که ریشه اصلی آن عربی و برگرفته از «گزیت» پهلوی به معنای مالیاتی است که برای تقویت ارتش اخذ می‌شد.

درباره فلسفه وجودی این مالیات آورده‌اند: «از آنجا که دفاع از موجودیت و استقلال و امنیت یک کشور وظیفه همه افراد آن کشور است بنابراین هر گاه جمعی عملاً برای انجام این وظیفه قیام کنند، و عده‌ای دیگر به خاطر اشتغال به کسب و کار نتوانند در صف سربازان قرار گیرند وظیفه گروه دوم اینست که هزینه جنگجویان و محافظان امنیت را به صورت یک مالیات سرانه در سال بپردازند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۷: ۳۵۵).

پس از تشکیل حکومت اسلامی بر اساس نص صریح قرآن، آن دسته از اهل کتاب که در قلمرو حکومت اسلامی می‌زیستند، موظف به پرداخت جزیه شدند: «قاتلو الذین لایؤمنون بالله و لا با الیوم الاخر و لایحرمون ما حرم الله و رسوله، و لایعدینون دین الحق من الذین اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیه عن یدوهم صاغرون» [ای اهل ایمان] با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گروند، قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند. (قرآن کریم، ۱۳۷۲، سوره توبه، آیه ۲۹).

فقها و مفسرین مسلمان، تعابیر و تفاسیر مختلفی را از این آیه ارائه کرده‌اند. طبری جزیه را بهای حمایت مسلمانان از زمین می‌داند (طبری، ۱۳۵۷، ج ۴: ۱۱۶) و شافعی بر آن است که: «ذمیان در حالی که از پذیرش اسلام امتناع دارند با پرداخت جزیه حکم اسلام بر آنها اجرا می‌شود و به همین دلیل تحقیر می‌شوند» (شافعی، بی تا: ۱۷۶-۱۷۷). و به اعتماد طبرسی «منظور از صاغرون این است که: ذمیان می‌بایستی جزیه را خاشعانه به حکومت اسلامی بپردازد و زیر دست مسلمانان باشند تا گردن فراز نکنند» (طبرسی، بی تا، ج ۱۱: ۶۶-۶۷) و نیز جزیه بهای حمایت مسلمانان از زمین است (طبرسی، بی تا، ج ۶: ۷۷).

۵- عدم فتح ایران توسط مسیحیت

با عنایت به مقاومت جدی و همه جانبه اکثر ایرانیان در مقابل مسلمانان، ذکر این نکته ضروری است که بر خلاف تحلیل‌های ارائه شده مبنی بر فتح ایران توسط مسیحیت، در صورت عدم ورود اسلام به ایران، بدلیل آشفتگی وضعیت مذهبی، سیاسی ایران در آستانه ورود مسلمانان (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۱۵۹ و مطهری، ۱۳۱۸: ۹۹)، مقاومت جدی اهالی ایران در برابر اعراب مسلمان، حاکی از وفاداری اکثریت آنان به دیانت زردشتی بود.

شورشهای پی در پی، پذیرش پرداخت جزیه و مسلمان نشدن، انعقاد معاهدات صلح با شرایطی چون آزادی در برگزاری مراسم مذهبی، حفظ جان و مال ایرانیان، عدم ویرانی آتشکده ها، عدم برده شدن ایرانیان و حفاظت از مرزها به شرط عدم پرداخت جزیه و خراج (بلعمی، ۱۳۵۳، ج ۱: ۵۳۰-۵۳۱)، مقاومت برخی از نواحی (طبرستان) تا دو قرن پس از سقوط حکومت مرکزی، حفظ آثار، سنن، ادبیات و اماکن مقدس و مذهبی تا قرن چهارم در میان شمار زیادی از ایرانیان، همه و همه بر پای بندی ایرانیان به آئین زردشت صحه می گذارد. از سوی دیگر شرایط سیاسی، مذهبی آن روز دنیای مسیحیت به مرکزیت امپراطوری بیزانس، بهتر از ایران نبود. اختلافات کلامی مذهبی، منازعات و رقابتهای شدید سیاسی میان بزرگان سیاسی - مذهبی و مشکلات خارجی ناشی از شکست روم از خسرو پرویز و پیشروی وی تا پشت دیوارهای قسطنطنیه و تصرف بخشی از نواحی شام و مصر، توسط ایرانیان، بیزانس را نیز با آشفتگی های سیاسی - مذهبی متعددی مواجه ساخته بود (بلعمی، ۱۳۵۳، ج ۱: ۵۲۷). به گفته یکی از محققین معاصر: «در هر دو کشور ایران و روم، اختلافات مذهبی، نارضایتی ها و دشمنی هایی را در بین مردم بوجود آورد (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۷۶)».

حسن ابراهیم حسن، نیز بر آنست که: «روم از پایان دوره ژوستی نیان (هم زمان با انوشیروان) تا پایان دوره هرقل به سبب فتنه های داخلی ضعیف شده بود و با ضعف و سستی ادامه حیات می داد و ایرانیان بهتر می توانستند در برابر هجوم عرب مقاومت کنند (ابراهیم حسن، ۱۳۶۰: ۲۴۴-۲۴۲)» به گفته گوستا ولوبون: «دولت روم در اثر جنگهایی که با ایران کرده بود رو به ضعف نهاده و همچنین عوامل داخلی دیگری در کار بود که دوران انحطاط و سقوط را می پیمود و از آن دولت نیرومند جز یک هیكل و پیکره چیزی نمانده بود که برای واژگون کردن آن تکانی مختصر کافی بود و نزاعهای مذهبی و ستمکاریهای حکام و فرمانروایان پایه های حکومت را متزلزل ساخته بود (گوستا ولوبون، ۱۳۵۸: ۱۴۵)». در این خصوص جرجی زیدان می نویسد: «علاوه بر اوضاع سیاسی و اداری، اوضاع دینی و اجتماعی و اخلاقی روم و ایران در آن ایام از هر جهت رو به اختلاف می رفت و طبعاً خرابی اوضاع اداری و سیاسی نیز بواسطه فساد اخلاق جامعه و پریشانی عقاید و افکار عمومی بوده است (جرجی زیدان، ۱۳۷۳: ۲۹)». حتی برخی برآنند که: «علیرغم جنگهای طولانی ایرن و روم شرقی و جنگهای داخلی بعد از مرگ خسرو پرویز ایرانیان در مقابل مسلمانان عرب مصمم تر از مدافعین رومی در فلسطین و سوریه مقاومت کردند (ایران شهر، ۱۳۴۲ ه. ش. ۱۹۹۶/ م: ۳۶۶)».

یورش اعراب بادیه نشین متفرق و پراکنده که در سایه اسلام و وحدت ایجاد شده به یکپارچگی و یگانگی رسیده بودند به ایران و سرزمین های مجاور، به بهانه گسترش دین نوظهور اسلام، دروازه های نوینی را به روی آنان گشود.

بزرگان اعراب و فرماندهان این جنگجویان، با هدایت این موج تازه نفس، ویرانگر و دارای انگیزه به سوی این سرزمین ها و تحریک و تحریض آنان به اهداف متفاوتی دست یافتند که از آن جمله می توان به گسترش قلمرو اسلامی و دین اسلام در بین سایر ملل و سرزمین ها و باقی گذاشتن تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوان در این سرزمین ها و مهمتر اینکه هدایت موج گرسنگان عرب که به جز بادیه و سنگ و ریگ و سوسمار و ملخ چیزی نداشتند به سوی سرزمین های آباد مخصوصاً ایران، ضمن تأمین نیازهای مادی و اقتصادی، شبه جزیره را از شورش و اغتشاش و نافرمانی، مصون می داشت.

نظرات مختلف و گاه متضاد مورخان متقدم اسلامی در مورد علل توجه و ورود مسلمانان به ایران ناشی از این است که با ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، دین و سیاست در حکومت به هم آمیخت. این حکومت به دلیل دو کارکرد دینی و دنیوی خود در زمان حضرت محمد(ص) می بایست به جنبه دینی و دنیوی توأمان توجه می کرد در حالی که این امر و واقعیت یعنی دو کارکرد توأمان حکومت اسلامی به دلیل رعایت اصل بی طرفی در تاریخ نگاری و انکاس تمام رخداد های جامعه، حتی در تاریخ طبری مورد تحلیل قرار نگرفته است و مورخان و محققان معاصر نیز هر یک در آثار خود به انعکاس وجهی از این وجوه پرداخته اند.

غلبه ی اعراب مسلمان بر سرزمینی که ایرانیان در آن مسکن داشتند در چهارچوب وقایع تاریخی ایران، به هیچ وجه مسئله تازه و غیر قابل تصویری نبود. قبل از اعراب، اهالی مقدونیه و یونان همراه با اسکندر توانسته بودند به عنوان بیگانه ایران را تسخیر نمایند و بعد از آن نیز ملت ایران توانست، دوباره داعیه ملیت و فرهنگ خود را محقق سازد.

به این احوال، هجوم اعراب برای ایرانیان، بیش از تمام مصائب ملی قبل و بعد آن حائز اهمیت است. زیرا ایرانیان در آن زمان، برای اولین و آخرین بار در طول تاریخ خویش، کانون و قلب فرهنگ های شرق و با اطمینان بگوئیم، تمام تمدن آن زمان را در دست داشتند، ولی پس از هجوم اعراب مسلمان، ایرانیان، مذهب خود را رها کردند و به دین پیامبر جدید در آمدند و بدین ترتیب این حادثه بزرگ که در قرن هفتم میلادی رخ داد. مهمترین واقعه تاریخی به شمار می رود و برای تاریخ مهمتر و طولانی این سرزمین، میزان اساسی سنجش قرار گرفت و ایران میانه و ایران نو را از هم جدا ساخت. باید دانست در عین اینکه، ایران، دین قوم فاتح را پذیرفت، اما باز موفق شد که بخشی از فرهنگ باستانی خود را با این لباس

جدید در محیطی بسیار وسیعتر، توسعه بدهد و توانست به اسلام خصایل و صبغه های ایران ببخشد و سرانجام صورت ویژه ای در دین پدید آورد.

علت اساسی حمله عظیم اعراب مسلمان به قلمرو ساسانی، نه تغییرات اراضی شبه جزیره عربستان از قبیل خشکی سرزمین های آن بود که طبعاً منجر به اقدامات وسیعتری از طرف ساکنان آن گردید و نه لزوم راه تجارت و نه تنها حرص غارتگری اعراب، اگر چه این علل که از ازمینه قبل در ورود اعراب معروف بود و صفت ویژه همه اقدام چادر نشین به حساب می آید نیز در این هجوم به طور قابل توجهی دخالت داشته است، بلکه علت واقعی و محرک اصلی این هجوم برق آسا و توقیف ناپذیر اعراب، قبل از هر چیز، دین جدید و اعتقادات تازه ای بود که با رسالت آخرین رسول الهی حضرت محمد (ص) نصیب اعراب شده بود. ممکن است در گذشته، در این حقیقت که توجه به خدا، می تواند، این چنین تأثیر شگرفی را همراه بیاورد جای شک و شبه بود، اما حوادث سنوات اخیر به وضوح نشان داد که تا چه اندازه یک عقیده جدید می تواند نیروی محرک و مثبت از خود به ظهور برساند و امروز دیگر جای تردید نیست که دین یکتا پرستی، پایدار ترین علت محرک کشور گشائی اعراب مسلمان بوده است.

منابع

- ۱) ابن اثیر، عزالدین بن علی، کامل ابن اثیر، ترجمه عباس خلیلی، بی جا، علمی، بی تا.
- ۲) ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، ترجمه محمد ابن احمد مستوفی هروی، مصحح غلامرضا طباطبائی مجد، چاپ اول، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۳) ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن محمد، العبر، ۲ ج، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۴) ابن طقطقی، تاریخ الفخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
- ۵) بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذر تاش آذر نوش، ج ۲، تهران، سروش، ۱۳۲۵.
- ۶) بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، تاریخ بلعمی، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد گنابادی، چاپ دوم، تهران، زوار، ۱۳۵۳.
- ۷) تاریخ سیستان، به تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، خاور، ۱۳۱۴.

- ۸) دنت دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸.
- ۹) دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ۱۱ ج، مترجمان ابوطالب صارمی و دیگران، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۱۰) راغب اصفهانی، محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، دمشق-الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲.
- ۱۱) رشیدی، شمس الدین، مفاخر ایران، تهران، بدون ناشر، بهمن ماه ۱۳۴۲.
- ۱۲) زرین کوب، دکتر عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ ششم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- ۱۳) زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ ششم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۴) شافعی، محمد بن ادريس، الامم، بیروت، دارالمعرفت، بی تا.
- ۱۵) طبرسی، شیخ ابوعلی بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ترجمه آیه الله نوری همدانی و شهید دکتر محمد مفتاح، بی جا، چاپخانه حیدری، بی تا.
- ۱۶) طبری، محمد حسین بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ۱۶ جلد، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- ۱۷) عصر زرین فرهنگ ایران، ریچارد، ن، فرای، ترجمه حسن انوشه، تهران، توس، ۱۳۶۹، ص ۷۴.
- ۱۸) عوفی، سدید الدین محمد، جوامع الحکایات و لوامع الروایات، تصحیح دکتر جعفر شعار، چاپ اول، تهران، سخن، ۱۳۶۲.
- ۱۹) قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، چاپ اول، تهران، پیام، ۱۳۷۲.
- ۲۰) قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تصحیح و تحشیه سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
- ۲۱) مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، نشر الهادی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۲۲) مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ هشتم، ۱۳۵۹.
- ۲۳) المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۲، تحقیق الکتور مارسدن جونز، الطبعة الثالثة، لبنان، بیروت، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ / ق / ۱۹۸۹ م، صص ۴۵۹-۴۶۰.

۲۴) مفید، محمد بن نعمان، ارشاد، چاپ مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳.

۲۵) نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

۲۶) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ ششم، قم، ۱۳۸۴.